

مفت کرم داشتن حرف لیا بچی قزوینی تار بخی تالبت نموده مخموی برنولد و کوفات کنی
 از سلاطین و وزرا و مشایخ و علما و شعرا از دست سه ای که بر لاله سر زلف ^{face veil} سین داری بقصر
 شور بگئی عاشق شیدا داری یاری بزدی سبب تنهائی مقرر شده بود که روز دیگر اورا قبل
 رسانند ابن مطلع را گفته نجات یافت سه از قتل ما خواهد شدن فردا تا شامی دیگر خبری نماند
 از عمر ما نیم و فردائی دیگر بچی کاشی اف م شعر اخب میگفت و در عمر و دوس اشبانی
 بنظم پادشاه اشتغال داشت از دست سه گرپی شریک خوانست ای شاه دین رواست
 زین گفت حاجتم بدلیل و بایه نیت : تو ساید : خدائی و ابن بچو آفتاب : روشن بود که
 بچ کبی را دوسا به نیت : هم سنگ تو در جان بند و کسورت : آینه مگر نهند در میزانت : بچی
 در خاک غربت نیت من همچون نبال : مشت خاکلی از وطن ای کاشش بر میداشتم ^{Alpine illusion}
 ندارم چشم احسان ^{عشق} زان جوهر گمان : ز بانم بر مردم دراز سنه : [الحمد لله و الحمد لله که ابن شکر فامه
 روز کار و زنگین شمع غریب ^{عشق} انار که پس از تنوع و تضییع کتب بسیار و بعد انتخاب نواریخ
 نامدار که مشتمل بر اخبار اخبار و مخموی بر سوانح ادوار و اعصار سنه مفرد و بجد پشمار
 و تحقیق و تنقیح حدیث انار با مدارات غیبی و نوجبات لاریبی بطریق یادگار مرتب کرده

منتخب طبقات البري

پوشیده نماند که چون از احوال خبر مال حضرت خلیفه الهی فراغ دست داد ذکر اسمی امداد^{المقتد}
 که دودمان عالیشان مصدر خدمات شده اند تا گزینست و چون تفصیل اسمی امداد حضرت
 خلیفه الهی زیاده بر آنست که درین مختصر نکتهد و تفصیل اسمی هر یک را از فاضل بنیه شیخ ابو الفضل
 در کتاب اکبرنامه مرقوم فلم بدایع رقم گردانیده درین مختصر تذکر اسمی امداد کبار اختصار افتاد
 خانخانان بهم خان سپه سالار بهار لوی رکان و نسب او همرا جهان شاه ترکان میرسد
 در ملازمت حضرت جنت اشبانی بمرتبه خانخانی و امیرالامرائی رسیده بمقتضای انالیفی
 شاهزاده عالی قدر متنازکشت و بسی از صاحب اقبال بنیان سلطنت این دولت شگام
 پذیرفته و فتح هندوستان از دای جانکشی خان خانان شد تربت علما و فضلا جلی و
 طبعی آن بزرگ نهادست سلیقه شعر تمام داشت و دیوان اشعار ترکی و فارسی دارد و بعد
 از ظهور دولت ابد چون حضرت خلیفه الهی بیچار سال عزیمت مک نمود و در بین کجرات از دست
 فدائی افغان بشهادت رسید و نارنج آن واقعه شهید شد محمد پریم یافته ایند مرزانش^{۱۷۶۰} هرغ
 بن مرزا ابراهیم بن سلیمان مرزا چون بدخشان بدست اوزبک درآمد النجابد رگاه جهان بنیه
 آورده در سلک امداد پیچزار می منتظم است و حکومت مالوه دارد و تردی یک^{۱۷۵۰} خان رز

امداد کبار حضرت جنت اشبانی بود در سال اول جلوس خلیفہ الہی بواسطہ مصلحت بسی "
 بیرنخان بقل رسبد منعم خان خاتخانان ازا امداد کبار جنت اشبانی بود و حکومت کامل داشت
 و بعد از ہرم خان بمنصب خاتخانانی رسیدہ مدت چارودہ سال بمخدمت سپہ سالاری و
 امیرالامرائی امتیاز داشت و در سنہ اثنبین و ثمانین و شصت و ہجری با جل طبعی در گذشت مرزا ^{۱۶۵۶} _(۵)
 بن سلطان حسین مرزا بن ہرام مرزا بن شاہ اسمعیل صفوی چون از دست مخالفت "
 برادر و غلبہ اوز کمب در قندار نتوانست بود بپاہ بدرگاہ جہان پاہ آورده در سلک اعدا
 پنجزاری انتظام دارد و بحکومت ملتان سرفراز گشت مرزا خان خاتخانان ^{۱۶۵۶} _(۶) خلعت صدق
 ہرم خان بعد از فتح کجرات کہ بموقعش مذکور سن بمنصب خاتخانانی و امیرالامرائی و سپہ سالاری
 رسیدہ امروزہ سال سن کہ باین مرتبہ عالی ترقی کردہ و مصدر خدمات عالی و فتوحات عظیم
 شدہ از فہم و دانش و علم و کمالات ان بزرگ ہا و ہر چہ نویس از صدیکی و از بسیار اندکی
 شفقت عام و تربیت فضلا و علما و محبت فقرا و طبع نظم اورا مورد ثبوت و امر و تقابل و "
 کمالات ان فی ازار باب دولت فرین عز و نزار و علی قلیخان ^{۱۶۵۶} _(۱۲/۱۳, 14 A. p. 223) زمان از طایفہ سینا
 در ملازمت جنت اشبانی ہا بون پادشاہ بمرتبہ امیرالامرائی رسید و در ایام سلطنت

سلطنت خلیفہ الہی کارا و نرقی کرده مصدر فتوحات عظیمہ شدہ چنانچہ در محل خود نشن
نذکور سہ و در آخرینی و حرام مکی بقیل رسید اودہم خان^{۱۹۰} کشت رضاع بھرت خلیفہ
الہی داشت برنبہ امیر الامرائی رسید چون مصدر قتل انکہ خان شد در عوض بقصاص رسید
چنانچہ بموقع نشن نذکور سہ مرزا شرف الدین حسین^{۱۷} پسر خواجہ معین از نسل خواجہ ،
نامہ الدین عبید الد احرار سہ در خدمت حضرت برنبہ ارباب امارت رسید و در
امرای کبار منسلک شد و در سند بواسطہ و اہمہ و اغوی اہل فساد و زار نمودہ کجرات نشن
و در سند نہد و متقا کہ حضرت خلیفہ الہی مرنبہ اول فتح کجرات نمودند راجہ بیارچی اورا گرفتہ
برکاتہ جان پناہ آورد و مدینہ ہند و حبس ماند و باز ہجرام خسروانہ رقم عفو بر حرام او کشیدہ
بہنگالہ فرستاد و از انجا ہجرام خواران موافقت نمودہ و نت کرد نشن^{۱۵} الدین محمد خان^(۱۵) انکہ
خطاب خان اعظمی داشت انکہ حضرت خلیفہ الہی بود برنبہ امارت و وکالت رسید و
از دست اودہم خان جام شہادت حبشید محمد عزیز کوکناش^(۱۱) مخلص با عظم خان پسر
شنس الدین محمد خان انکہ سہ بعد از پدر با بن خطاب عالی شرف امتبار یافتہ بجزاری
شد و حکومت ملا و کجرات داشت از انجا بنا بر ولولہ و شورشی کہ سودا مرزا جان مرا می باشد

سفر حجاز اختیار کرد و عضو واحد ^(۱۲) خان از سلاطین کاشغر است به شیر جنت اشیانی در
 حاله او بود بمرتبه امیرالامرائی رسید و در گذشت ^{۲۲۰/۱۲} ^(۱۳) میا در خان برادر خان زمان بود شجاعت
 و مردانگی اتیاز داشت و به پله امرائی پنجه‌ازی رسیده بود و در بنی گشته شد و میر محمد خان ^{۱۳۱۰/۱۲} ^(۱۴)
 آنکه که بنحان کلان اشتبار داشت برادر بزرگ خان اعظم بود بمرتبه امیرالامرائی رسیده مصدر
 کار و بزرگ شد و در سنه ثلث و ثمانین و تسعمایه در بن کجرات با جل طبعی در گذشت
 محمد خلی خان بر ^{۳۱/۱۲} ^(۱۵) از امراء کبار بود و در بنگاله در گذشت خانچان خواهرزاده پیرم خان ^{۱۲۱۴/۱۲} ^(۱۶)
 خطاب خانچانی یافته جد سال بحکومت پنجاب و جد سال بحکومت بنگاله سرفراز بود مصدر
 خدمات عظیمه شد و در سالک امراء پنجه‌ازی انتظام یافته در سنه حش و ثمانین و تسعمایه
 در بنگاله با جل طبعی در گذشت شهاب الدین احمد خان در زمره امراء پنجه‌ازی بود و در بن
 دولت از دواتر حلیه بطور رسیده و سال بحکومت کجرات و مدتها حکومت مالوه داشت و
 در سنه نهصد و نود و نه در اجین و دعبت حیات سپرد سعید خان برادر زاده چاکیر علی ^{۲۵/۱۲} ^(۱۷)
 بیک سن و اموز بحکومت بنگاله سرفراز سن و در سالک امراء پنجه‌ازی انتظام دارد
 پیر محمد خان در ابتدا در حال طالب علمی بود بواسطه برنحان بمرتبه امارت رسیده بحکومت ^{۲۰/۱۲}

حکومت مالوہ سرخز گذشت و در جنگ بر ما نور غرق شد و ارجہ بہ عمل راجہ ولایت انیسر
 در ابتدا دولت روز افزون در سلک دولتخواہان منتظم گشتہ از امر او کبار شد و در اگرہ در گذشت
 راجہ بکوانداس ^{(۶۸) No. ۶۶} ولد راجہ بہار محل مذکور در سلک امراء پنجزاری انتظام داشت و در سنہ
 ست و شصین و شصا - در دار الخلافہ لاہور در گذشت و احوال خیراد مسجد بیت جامع در لاہور
 کہ امروز اکثر مردم در اینجا با واد نماز جمعہ قیام مینمایند راجہ مانسکہ ولد راجہ بکوانداس سنہ
 کارنامہ بزرگ از دست او برآمدہ پنجاب موضع خود مرقوم فلم گشتہ الحال از امر او پنجزار بیت
 و حکومت ولایت بہار دار و محمد المجید اصفیٰ ن نویسنده و اہل قلم بود بہر نہ امارت رسیدہ
 مصدر خدمات عالی شد کار او بجای رسید کہ بیت ہزار داشت احوال بموقعش
 مذکور سنہ سکندر خان اوزبک از امر او کبار بود و در بنی بنان زمان موافقت نمود و در
 توبہ و بازگشت نمودہ در سلک دولتخواہان در آمدہ و در سنہ ثمانین و شصا بہ در گذشت
 عبداللہ خان اوزبک از امر او غالبان بود و بواسطہ و احمہ کہ او را روی داد از حکومت مالوہ
 بکجراست رفت و در سلک اہل بنی در آمدہ و در گذشت قبا خان ^{(۶۹) No. ۳۳} کنگ از امر او کبلہ و بیابان
 رستم شکار بود و در سنہ اربع و ثمانین و شصا بہ در بلاد بنگالہ در گذشت یوسف محمد خان ^{(۷۰) No. ۱۸۰} ولد

بود و پسر خان اعظم سنه ۱۱۵۵ هجری از غلبه شرب غم درگذشت ^{۱۱۵۵} ^{۳۴} ^{۱۱۵۵} ^{۳۴}
امراء پنجزار گشت و در شجاعت و دیگر صفات حمیده سرآمدانیا در روزگار سن و در فهم و عقل ^{۱۱۵۵} ^{۳۴}
و دانش و سایر کمالات ممتاز سن شجاعت خان ^{۱۱۵۵} ^{۳۴} خواهرزاده نودی یک خان سن
و در سلک امراء پنجزاری بود و حکومت مالوه داشت و در سنه ۱۱۵۵ هجری ^{۱۱۵۵} ^{۳۴} ^{۱۱۵۵} ^{۳۴}
از دست نوکران خود شهادت رسید شاه بدیع خان از امراء حجت آشتیانی بود و در سن
درگاه بمرتب امیرالامرائی رسیده حکومت مالوه یافت و آنجا درگذشت ^{۱۱۵۵} ^{۳۴} ^{۱۱۵۵} ^{۳۴}
در بدله امراء چهارزاری رسیده بود و درگذشت ^{۱۱۵۵} ^{۳۴} ^{۱۱۵۵} ^{۳۴} ^{۱۱۵۵} ^{۳۴} ^{۱۱۵۵} ^{۳۴}
بعد از آن بمرتب پنجزاری رسیده و در سنه ۱۱۵۵ هجری ^{۱۱۵۵} ^{۳۴} ^{۱۱۵۵} ^{۳۴} ^{۱۱۵۵} ^{۳۴} ^{۱۱۵۵} ^{۳۴}
برادر خواجه عبدالمجید خان سنجاب وزیر خانی و منصب وزارت و بمرتب امراء پنجزاری
رسیده در سنه ۱۱۵۵ هجری و شهادت باطل طبعی در بنگاله درگذشت و از فرزندان شنج
الشیخ زین الدین جامی سن و از سردولت بر خاسته بشرف حج نیز مشرف شده بود
محمد امراء خان از امراء کبار بوده و مصدر کارها و بزرگ شده فوت کرده است ^{۱۱۵۵} ^{۳۴} ^{۱۱۵۵} ^{۳۴} ^{۱۱۵۵} ^{۳۴} ^{۱۱۵۵} ^{۳۴}
که از لفظ فضل وفت بود نام آن یکانه عصر محمد اصغر سن از سادات عربی بود و وفات

و هفت خط را خوب می نوشت در زمره امراء کبار انتظام داشت مهدی قاسم خان در
 سبک امراء کبار انتظام یافته در جرگه امراء مجزای بود و مصدر خدمات ثابت شده ^(۱۲۱)
 درگذشت ^(۱۲۱) محمد قاسم پسر پوری از سرداران پیشاپوش و هم در پیش پور مرتبه اربابی
 داشت و از انجی بواسطه حادثه اوزمک فرار نموده پندوستان آمد و چندگاه بحکومت
 ملتان و مدنی بحکومت مالوه مقرر بود در بلده سارنگپور و دیت جات سپرد ^(۱۲۸) ^(۱۲۵) ^(۱۲۶) ^(۱۲۷) ^(۱۲۸) ^(۱۲۹) ^(۱۳۰) ^(۱۳۱) ^(۱۳۲) ^(۱۳۳) ^(۱۳۴) ^(۱۳۵) ^(۱۳۶) ^(۱۳۷) ^(۱۳۸) ^(۱۳۹) ^(۱۴۰) ^(۱۴۱) ^(۱۴۲) ^(۱۴۳) ^(۱۴۴) ^(۱۴۵) ^(۱۴۶) ^(۱۴۷) ^(۱۴۸) ^(۱۴۹) ^(۱۵۰) ^(۱۵۱) ^(۱۵۲) ^(۱۵۳) ^(۱۵۴) ^(۱۵۵) ^(۱۵۶) ^(۱۵۷) ^(۱۵۸) ^(۱۵۹) ^(۱۶۰) ^(۱۶۱) ^(۱۶۲) ^(۱۶۳) ^(۱۶۴) ^(۱۶۵) ^(۱۶۶) ^(۱۶۷) ^(۱۶۸) ^(۱۶۹) ^(۱۷۰) ^(۱۷۱) ^(۱۷۲) ^(۱۷۳) ^(۱۷۴) ^(۱۷۵) ^(۱۷۶) ^(۱۷۷) ^(۱۷۸) ^(۱۷۹) ^(۱۸۰) ^(۱۸۱) ^(۱۸۲) ^(۱۸۳) ^(۱۸۴) ^(۱۸۵) ^(۱۸۶) ^(۱۸۷) ^(۱۸۸) ^(۱۸۹) ^(۱۹۰) ^(۱۹۱) ^(۱۹۲) ^(۱۹۳) ^(۱۹۴) ^(۱۹۵) ^(۱۹۶) ^(۱۹۷) ^(۱۹۸) ^(۱۹۹) ^(۲۰۰) ^(۲۰۱) ^(۲۰۲) ^(۲۰۳) ^(۲۰۴) ^(۲۰۵) ^(۲۰۶) ^(۲۰۷) ^(۲۰۸) ^(۲۰۹) ^(۲۱۰) ^(۲۱۱) ^(۲۱۲) ^(۲۱۳) ^(۲۱۴) ^(۲۱۵) ^(۲۱۶) ^(۲۱۷) ^(۲۱۸) ^(۲۱۹) ^(۲۲۰) ^(۲۲۱) ^(۲۲۲) ^(۲۲۳) ^(۲۲۴) ^(۲۲۵) ^(۲۲۶) ^(۲۲۷) ^(۲۲۸) ^(۲۲۹) ^(۲۳۰) ^(۲۳۱) ^(۲۳۲) ^(۲۳۳) ^(۲۳۴) ^(۲۳۵) ^(۲۳۶) ^(۲۳۷) ^(۲۳۸) ^(۲۳۹) ^(۲۴۰) ^(۲۴۱) ^(۲۴۲) ^(۲۴۳) ^(۲۴۴) ^(۲۴۵) ^(۲۴۶) ^(۲۴۷) ^(۲۴۸) ^(۲۴۹) ^(۲۵۰) ^(۲۵۱) ^(۲۵۲) ^(۲۵۳) ^(۲۵۴) ^(۲۵۵) ^(۲۵۶) ^(۲۵۷) ^(۲۵۸) ^(۲۵۹) ^(۲۶۰) ^(۲۶۱) ^(۲۶۲) ^(۲۶۳) ^(۲۶۴) ^(۲۶۵) ^(۲۶۶) ^(۲۶۷) ^(۲۶۸) ^(۲۶۹) ^{(۲۷۰)</}

چنانچه در موقعش مذکورست حیدر محمد خان از امارت اشبانی بود و در ملازمت حضرت
 خلیفه الهی نیز در سلک امارات نظام داشت ^{(۹۷) (۹۸)} ^{۱۱۶} جلایرا از امارت قدیم این و در مانت و در
 سلک امارت و وزارت نظام دارد ^(۹۹) ^{۱۱۷} اسماعیل سلطان دولتی از امارت اشبانی بود و
 در بن دولت نیز بر بنه امارت رسیده بود ^(۱۰۰) ^{۱۱۸} خان جلایرا از امارت قدیم است و چند سال
 که غل و مانع میرسانیده و بواسطه ^(۱۰۱) ^{۱۱۹} کبر مردم گوگست در سلک امرای سه هزار
 نظام داشت در فهم و ادراک و شعر گفتن از اقزان خود ممتاز بود و در جنگ و او را اقبال در
 سنا اثنی و ثمانین و شصت به شهادت رسید ^(۱۰۲) ^{۱۲۰} برادر خان اعظم منصب یکی
 الارسلکی و امیرالامرائی رسیده و چهار نوکر داشت در بر و دره کجرات بدست سلطان مظفر گورانی
 شهادت رسیده چنانچه در مجلس مذکورست ^(۱۰۳) ^{۱۲۱} بسمیر خلیفه وکیل السلطنة بپرتگاه
 بقبایل و کمالات ممتاز بود و بگوراد مسخر نمود و در سلک امارت چهار هزار نظامی منظم بوده و در سنا
 شص و ثمانین و شصت به در ایام حکومت کشمیر و دعبت جات سپرد ^(۱۰۴) ^{۱۲۲} خان از امارت قدیم است
 این دولت است و امروز منصب وزارت منصوبت و چهار هزار سوار دارد ^(۱۰۵) ^{۱۲۳}
 از مغربسن در خدمت حضرت خلیفه الهی بوده و از امارت چهار هزار است و مصدر خدمات بنسبت

ثابته گشته الحال بکالت شاهزاده شاه مراد سرفراز سن ^(۳۱) ۶۶۰ هجری قمری بیک ترخان حاکم تهر در سلک
 امارت هزاره نظام داشت و احوال او در مجلس مذکور سن ^(۳۲) ۴۶۰ هجری قمری برادر خان جغتو
 و در سلک امارت هزاره منتظم سن ^(۳۳) ۶۶۰ هجری قمری که از امارت عظیم الشان سلطان بیاد و سلطان
 محمود کجراتی بود بعد از فتح کجرات داخل دولخواهان این درگاه شده محل افتاد گشت و از امارت چهار هزار
 شده در سن ^(۳۴) ۶۶۰ هجری قمری در کجرات ای راجه که بعد ولایت بیکانیر و ناگور سن و از امارت
 چهار هزار سن ^(۳۵) ۶۶۰ هجری قمری برادر خان اعظم انکه سن ^(۳۶) ۶۶۰ هجری قمری امارت هزاره منتظم
 شده بکجرات غزنی که وطن اوست سرفراز سن ^(۳۷) ۶۶۰ هجری قمری ملقب بفتاب خان از
 امارت هزاره بود و در سن ^(۳۸) ۶۶۰ هجری قمری در کجرات رحلت نمود شاه قلی خان محرم سابقا
 نوکر برهم خان بود و مدت سی سال سن که در سلک امارت هزاره منتظم سن و بشجاعت
 و مردانگی انصاف دارد و جبیل چنین سابق نوکر برهم خان بود و در بن درگاه بر بنه امارتی رسیده
 در سن ^(۳۹) ۶۶۰ هجری قمری در کجرات حاکم بر بنه حکومت رهناس داشت
 برهناس منوب شد از امارت چهار هزاره بود و بشجاعت و مردانگی انصاف داشت و در سن
^(۴۰) ۱۲۸۰ هجری قمری معین الدین احمد خان ^(۴۱) ۵۸۱ هجری قمری خد سال میر سامان بود افتاد و از امارت ^(۴۲) ۶۶۰ هجری قمری

از امار سلیم خان بود چون داخل دولتخانه شد بمنجه امارت رسید حاکم بیکر شد و در سینه
نهند و هشتاد و پنج بدست نوکران خود بقتل رسید ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰} ^{۱۰۱} ^{۱۰۲} ^{۱۰۳} ^{۱۰۴} ^{۱۰۵} ^{۱۰۶} ^{۱۰۷} ^{۱۰۸} ^{۱۰۹} ^{۱۱۰} ^{۱۱۱} ^{۱۱۲} ^{۱۱۳} ^{۱۱۴} ^{۱۱۵} ^{۱۱۶} ^{۱۱۷} ^{۱۱۸} ^{۱۱۹} ^{۱۲۰} ^{۱۲۱} ^{۱۲۲} ^{۱۲۳} ^{۱۲۴} ^{۱۲۵} ^{۱۲۶} ^{۱۲۷} ^{۱۲۸} ^{۱۲۹} ^{۱۳۰} ^{۱۳۱} ^{۱۳۲} ^{۱۳۳} ^{۱۳۴} ^{۱۳۵} ^{۱۳۶} ^{۱۳۷} ^{۱۳۸} ^{۱۳۹} ^{۱۴۰} ^{۱۴۱} ^{۱۴۲} ^{۱۴۳} ^{۱۴۴} ^{۱۴۵} ^{۱۴۶} ^{۱۴۷} ^{۱۴۸} ^{۱۴۹} ^{۱۵۰} ^{۱۵۱} ^{۱۵۲} ^{۱۵۳} ^{۱۵۴} ^{۱۵۵} ^{۱۵۶} ^{۱۵۷} ^{۱۵۸} ^{۱۵۹} ^{۱۶۰} ^{۱۶۱} ^{۱۶۲} ^{۱۶۳} ^{۱۶۴} ^{۱۶۵} ^{۱۶۶} ^{۱۶۷} ^{۱۶۸} ^{۱۶۹} ^{۱۷۰} ^{۱۷۱} ^{۱۷۲} ^{۱۷۳} ^{۱۷۴} ^{۱۷۵} ^{۱۷۶} ^{۱۷۷} ^{۱۷۸} ^{۱۷۹} ^{۱۸۰} ^{۱۸۱} ^{۱۸۲} ^{۱۸۳} ^{۱۸۴} ^{۱۸۵} ^{۱۸۶} ^{۱۸۷} ^{۱۸۸} ^{۱۸۹} ^{۱۹۰} ^{۱۹۱} ^{۱۹۲} ^{۱۹۳} ^{۱۹۴} ^{۱۹۵} ^{۱۹۶} ^{۱۹۷} ^{۱۹۸} ^{۱۹۹} ^{۲۰۰} ^{۲۰۱} ^{۲۰۲} ^{۲۰۳} ^{۲۰۴} ^{۲۰۵} ^{۲۰۶} ^{۲۰۷} ^{۲۰۸} ^{۲۰۹} ^{۲۱۰} ^{۲۱۱} ^{۲۱۲} ^{۲۱۳} ^{۲۱۴} ^{۲۱۵} ^{۲۱۶} ^{۲۱۷} ^{۲۱۸} ^{۲۱۹} ^{۲۲۰} ^{۲۲۱} ^{۲۲۲} ^{۲۲۳} ^{۲۲۴} ^{۲۲۵} ^{۲۲۶} ^{۲۲۷} ^{۲۲۸} ^{۲۲۹} ^{۲۳۰} ^{۲۳۱} ^{۲۳۲} ^{۲۳۳} ^{۲۳۴} ^{۲۳۵} ^{۲۳۶} ^{۲۳۷} ^{۲۳۸} ^۲

رسیده درگذشت شهبازخان کهنواز امراء دوزارست و امراء حکومت بخشگری لشکر
مالوه دار و خواجیه جان ابن الدین محمد نام داشت خراسانی بود مخبون خان قاتل از امراء کبار بود
پنج هزار نفر داشت محرقا خان میربحر از امراء قدیم این دودمان غالبان سن و امراء در سلک
امراء سه هزاری انتقام دارد و حکومت کابل باو متعلق سن و امراء ابن ابراهیم حسین
و فرزاده کامران مرزاست و قابع او مذکور شده بعد از آنکه گرفتار شد مدتی در قید ماند و در آخر
شفقت جلی حضرت او را نوازش کرده بغزندگی سرفراز ساخته نسبت وصلت سر او را
بعملک الافلاک رسانیدند و الحال در زمره امراء هزاری انتقام دارد و مورد نظر شفقت اثر
امراء حکما - سیر راجه بیار حمل سن و از امراء هزارست راه مسکن از امراء سه هزارست
ای لوزنکون از امراء دوزاری بود و در سنه نهصد و نود و یک درگذشت مادرش که برادر
راجه مانسکه است و از امراء دوزارست سنه نهصد و نود و یک برادر بزرگ زین خان بود و در
جنگ کجرات در رکاب فخرانش بخلیفه الهی بشهادت رسید و در سنه نهصد و هشتاد
و پنج درگذشت و زوینی بود چند سال منصب بخشگری داشت در کجرات در سنه نهصد و هشتاد
و نه درگذشت شهبازخان و در کمال خان لکهر در سلک امراء کهنوار و با نصدی انتقام دارد

۱۶۴
 انتظام دارد و با توبه در آنجا که مدت چهار سال در حکومت ولایت مالوه اسم سلطنت بر خود رانده
 خطبه و سکه بنام خود کرده بود آخر باین درگاه رسیده از اماره دوزخاری شده درگذشت بیک
 ۱۶۵
 چنان جنگجی از اماره قدیم بود در سنه نهصد و هفتاد و پنج درگذشت نزدی و لک فیاض لک
 از جمله اماره دوزخاری است و الا آن حکومت بن کجرات اشتغال دارد و در این سال و نیز در زمره
 اماره دوزخاری است محمد حسین ^{میرزا} محاسب لشکر خان سال بخشی درگاه چنان پناه بود و میرزا
 امارت رسیده و دوزخاری نوکر داشت و در سال نهصد و هشتاد و سه درگذشت حسین خان
 میرزا داورانگریه از ان سبب گویند که او در ان ایام که حکومت و حراست لاهور با و تعلق داشت
 حکم نموده بود که هندوان بر جامه خود نزدیک بدوش بپوشند و زنند و چون بزبان هندی
 چون رانگری میگویند مشهور بگریه است و اما دهمدی قاسم خان بود و در سلک اماره
 دوزخاری انتظام داشت و در سال نهصد و هشتاد و سه درگذشت حلائی خان و سید جمال
 هر کدام بکیرار و با نصدی انداخته ^{۸۴} خواجه برای از خدمتکاران حضرت جنت بخشیدنی بود در سلک
 اماره دوزخاری انتظام داشت و در حکومت دلی درگذشت ^{۱۱۱۱} خواجه ^{۱۱۱۱} طلق بنار خان
 مدنی در سلک وزیر انتظام داشت و در ^{۱۱۱۱} امارت رسیده در سنه نهصد و هفتاد و پنج در حکومت

شهادت یافت رضویخان مدنی بخدمت بخشیکری منصوب بود بمرتبه امراء دو هزاری رسیده
 در کنگره ^{۱۳۵۴} شیخ فرید بخاری بخشی است و در زمره امراء هزار و پانصد است ^(۹۶) راجه حسن نیز از
 امراء دو هزاری بود ^{۱۳۵۴} و برادرزاده فیث الدین علی مخاطب باصفهان شده داخل بخش
 هزار و پانصد است ^{۱۳۵۴} راجه دوستی بر یکی هزار و پانصد است ^(۹۷) فاضل خان پسر میر محمد خان آگه است
 در سلک امراء هزار و پانصدی بود شاه قلیخان نازخی در سلک امراء هزار است شیخ محمد خان بخاری
 بمرتبه دو هزاری رسیده بود و در سده هشتاد و پنجک شیرخان فولادی شهید شد
^(۹۸) بخش از امراء کبار بود ^(۱۳۷) جغای از امراء قدیم این سلسله است و در قون
 جزایات علم و حکمت خصوصا در موسیقی بکانه دقت بود و طبع لطیفی داشت و در باب اکبانه
 مشهور و ^{۱۳۵۴} کافانی خان از طایفه ارلاست اول قلندر بوده و آخر بمرتبه امارت رسید
 طبع نظم داشت و کافیه را نظم کرده است مرزا حسن خان برادر رسید بر که در سلک امراء کبار
 انظام داشت ^{۱۳۵۴} و در راجه مانکه در سلک امراء یک هزار و پانصدی متقدم است مرزا
 ساجد خان برادر حسن خان از امراء عالیقدر بود علی و حسن و حسن نازکی از خدمتکاران بخت
 انشایی بود و در ملازمت حضرت خلیفه الهی بمرتبه امراء هزاری رسیده و در لاهور فوت کرد

سلطان حسین خان از امرای عالیه دار بود خواستار منور شیرازی نویسنده صاحب وقوف کتایب
 شکار معالجه دان بود از بس گرفت و گیر تمام امرا با و ناخوش شدند و خطی از زبان او بیجا
 مرزا حکیم ساختند و آن بچاره بقل رسید چنانچه در محل خویش مذکور است چار سال منصب
 وزارت از روی استحقاق اشتغال داشت سلیم خان پسر محمد افغان در سلک امرای بزرگی
 انظام داشت سید بهیو باره بشجاعت و شجاعت از افران امینا ز داشت در باره خازن
 ملکوخان قاضی خوان شاه طهاسب است او تیر قاضی خوان حضرت خلیفه الهی بود و کمال تقرب
 داشت و در جرگه امرای بزرگی بود حاجی سیستانی در ابتدا نوکر پیرم خان بود و در آخر در سلک
 امرای منتظم گشت محمد خان برادر مرزا یوسف خان بود و در سلک امرای بزرگی منتظم گشت
 و در ولایت کد به شجاعت رسید خرم خان از امرای دو هزارگی بود و کد گشت و تکی توفیق
 در زمره بزرگی منتظم بود و در ولایت مصعب خان جوانی بود در نهایت شجاعت و شجاعت
 در بله امرای بزرگی بود و در ولایت کونلیک شجاعت رسید سلطان میرزا اویسی خال مولف
 کتاب نظام الدین احمد بود بزرگ شمشیر ولایت دامن کوه کاهون را بنحرف در آورده مصدر
 خدمات شایسته شده و بشجاعت و مردانگی از امثال و افران امینا ز تمام داشت شاه

مشاهیر غازی بختان ترکمان در سلک امداد کبار بود سیر ^{بختان} پسر شیر افکن بیک است که
 از امداد کبار حجت اشبانی بود و الحال در سلک امداد هزاری انتظام دارد و کار علی خان در
 جرکه امداد هزاری بود نقیب خان پسر میر عبد اللطیف حافظ قزوینی است در علم تاریخ بکانه است
 و در زمره هزاری انتظام دارد ^{ملا} در سلک امداد هزاری بود ^{ملا} قوری ندیم پشته
 همه وقت از تخان شیرین باعث انتحاس خاطر حضرت خلیفه الهی میشد و در جرکه امداد
 هزاری انتظام داشت و در ابامی که قلعه سیوانه محاصره بود شبها دست رسید ^{ملا} بختان قوری
 غلام حضرت خلیفه الهی بود سکینه لطیف و ندیم مسرت بود و در زمره امداد هزاری بود و در گذشت
 پسر محرم بیک است جوان مردانه و صاحب سلیقه بود در کشمیر شبها دست ^{۱۵۶۲} رسید
 از حضرت سن در خدمت حضرت بود و بمرتب امداد هزاری رسید در کشمیر
 در گذشت ^{ملا} که از ملحد بن وقت است و در تصوف سلیقه درست دارد و در
 زمره امداد هزاری انتظام یافته امروز در ولایت بهار است ^{۱۵۶۲} ملا ولد خان کلان از خانه
 این دو دمان عالیشان است و الحال در ولایت بنگاله است دوست خان بیاری
 در سلک امداد هزاری انتظام داشت و در گذشت ^{۱۱۱۴} ملا ترکمان بن فراق خان و قوری

پناه آورده در زمره اماراد و هزاری انتظام یافت بعد از چند سال با جل طبعی گذشته دای
 منور بن رای لون کرن از منور سن در جرنز بیت حضرت خلیفه الهی نشو و نما یافت در خدمت
 ش هزاره کامکار سلطان سلیم بزرگ شده خط و سواد و سپه کرده سلبه شعر و پیرسانه
 شعر میگوید و نوکستی تخلص دارد شیخ عبدالحییم لکنوی از بند های قدیم خدمت ابن درگاه است
 و در سلاک امارات انتظام دارد ^{۱۲۹۵} و سیرت شرف خان است و الحال حکومت ولایت
 اوده سرفراز است **علی و فضل** که در ایام سلطنت حضرت خلیفه الهی در سواد اعظم هند بودند
 و از دیگر طلاب بدرگاه خلافت پناه آمدند و در سینه نهاد و نمود موافق سبب و شش
 الهی از دکن بملازمت رسیده مشمول مراحم حضرت دانگشت حب احکم ما مور شد با آنکه باقی
 وزراء به تنقیح معاملات عامل و اشتغال دیوانی پردارند چند سال با بن خدمت سرفراز
 و نجاب عضدالدوله ^{۱۲۹۵} شرف اختصاص یافت دانشمند تجرب بوده در فنون علم فعلی و نقلی
 از علماء خراسان و عراق و هند و سنان امین داشت و در زمان خود در کل عرصه عالم
 مثل و قرین خود ندانست و در علوم غریبه از نیرنجات و طلسمات نیز بهره مند بود و چنانچه

چنانچه آسیبائی برادر ایه س غنه که خود حرکت میکرد و آید میشد و آینه ساخت که از دور و «
 نزدیک اشکال غیب مرئی میکشت و بیک چرخ دوازده بند و فکاشت در سنه سبع و تسعين
 در کشمیر بعالم بقا خراسان امیر و بعضی مشربانی که از بنا بر امیر سید شریعت جرجانی بود در سنه
 نهصد و سیصد و دو موافق پست و هشتم سال الهی پند و ستان آمده از عطا بای عشقروانی
 پیر مذکشت و در دلی مدفون شد علوم عقلی خوب دانستی و اقام ریاضات و حکمت
 در کس کفنی و تاریخ فوت او علامت عالم رفت یافته بودند ملا سعید سمرقندی در سنه نهصد
 و سیصد و هفت پند و ستان آمده بر ارم پادشاهی متذکشت از فحول دانشمندان عصر خود
 بود . . . خلف الصدق شیخ مبارک است در جمع علوم شیخ عظیم دارد و منظر حلال
 اخلاق و شریعت اوصاف است و کمالات کسبی و دینی او از حد مصر پر دست و
 روزگار ابا و افتخار است قدوه مغربان حضرت الهی است و اعطاء دولت و درکن سلطنت
 و صاحب نفس قدسی و ملکات ملکی است تصنیفات شریفه دارد و کتاب اکبر نامه در
 وقایع و فتوحات حضرت خلیفه الهی بعبارت شرفا رسی نوشته که کار نامه معالی بود با تمام رساله
 و دیگر تصنیفات مثل عبارات دانش و رساله اخلاق و غیره دارد و علامت عالی و لاری مدتی بنحیم حضرت

خلیفہ الہی انصاف داشت از علما و کبار وقت خود بود بلا واسطه علوای سمرقندی از مکہ بملازمت
 رسیده چند سال در ہندوستان بودہ بکابل رفت و چند سال در کابل با فادہ اشتغال داشت
 و میرزا محمد حکیم در سس مکلف والہال در سمرقند است ^{میرزا محمد} سمرقندی از دانشمندان ماوراء النہر
 بود در سنہ ہجری ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ در ہندوستان آمدہ سہ سال در مدرسہ خواجہ معین در سس گفت
 و بیک رفتہ مدفون شد حاجہ تاشکند کہ در ماوراء النہر بکافہ کوکی اشتہار دارد از کبار علما و ماوراء النہر
 بود از علوم عقلی و نقلی از اشغال و افزان امتیاز داشت در سنہ ہجری ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ در ہندوستان
 آمدہ بغایت خسروانی مباحث و خراج راہ مکہ گرفته سفر حجاز اختیار کرد ^{و بعد از آن} سلطان پوری
 کہ حضرت عبت اشیاہی بنجاب مخدوم الملک از دیگر علما امتیاز داده بودند در علم فقہ و تعلبات
 کوی سبقت روبرو بود و از دولت حضرت خلیفہ الہی صاحب جمعیت مال شد چنانچہ بعد از
 فوت او فریب سہ کرد و زر از خانہ او برآمد بیکہ رفتہ و در وقت مراجعت در امد اباد کجرات فوت
 شد ^{و بعد از آن} و ملو بست نہ از وہلی سنہ بلکہ از ادرست کہ یکی از قضات وہلی سنہ
 و مولد شیخ لنگونام قصبہ البست از قضات مابن دواب یعنی گنگ و جون از بنا بر شیخ
 عبدالقدوس سنہ حضرت خلیفہ الہی اورا نوازش فرمودہ صدر الصدور ساختہ اندوختہ

و مدت ده سال رانق فائق مباحات مدارت کل مالک محروسه بود قاضی حلال سندی که منصب
افضی القضاتی عروج نموده بود علوم عقلی و فقهی داشت و فطیلت رافی اجماع مبدانست و بدایت
وامانت القضاة داشت و در قضاة و توکل در بنگان در پیش بود صاحب ^{لاهور} ^{لاهور}
علوم عقلی و نقلی نبود دانستی و چند سال قضای لاهور داشت ^{لاهور} ^{لاهور} از علم و دقت مخصوصا
از قضات عصر بدایت و صلاح ضرب المثل بود و مدتها و افضی القضاة درگاه خلافت بنیاد داشت
^{لاهور} ^{لاهور} تیردی از شکر کردن سید ملا از ارباب سن در علوم عقلی و نقلی از اقران خود ممتاز بود و علم
تا پنج نبود دانستی در سنه نهصد و هشتاد و چهار از شیراز آمده بغایت پادشاهان و اعیان
بافت و در سنه نهصد و نود و هشت فوت کردند ^{لاهور} ^{لاهور} کاکو لاهور از فحول علمای هندست و بغیر
و قضاة و توکل از امثال و اقران ممتاز بود و عمرش بعد رسیده ملا جمالخان مغنی و دیلوی
از دانشمندان وقت بود و در علم منقول بسیار و بقدری در معقول نیز نموده بود و عمر یک بدست
مشغول بود و بسیار ^{لاهور} ^{لاهور} سنبل از فحول علمای وقت بود سالها با فاده مشغول می نمود و اکثر
کتاب متداول را با و داشت در کتب کفنی صاحب صلاح و تقوی و ربانیت بود ^{لاهور} ^{لاهور}
لاهوری از دانشمندان وقت و سالها با فاده اشتغال نموده ^{لاهور} ^{لاهور} شیخ حسین بغدادی

معلوم عقلی و نقلی و افهام حکمت و ریاضی آراسته سالها در دہلی درس گفت و مفسر مجاہد قنبر
 کرد ملا شیخ حسین نیریزی دانشمند بود و سالها در سس گفت سید ولی از علماء دہلی بود ملا بابا
 دانشمند دہلی بود قاضی یعقوب ماکپوری سالها افضی القضاۃ بود شیخ بیاد الدین مفتی اکبر
 از علماء وقت بصلاح و تقوی امتیاز داشت شیخ ابوالفتح مفتی اکبر قاضی ناصر قاضی اکبر قاضی
 صوفی از قضات لاہور بدیانت و تقوی ممتاز بود علی السداد لکنر خانی لاہوری سید محمد میر عدل
 از بزرگان امر وہ بود و مرتبہ امارت و حکومت رسید و چند سال ولایت بکردر جاگیر او بود ملا سید
 عرب دانشمند محدث و مفسر ملا مقیم مدرس ملا غلام علی کور و ملا خواجہ علی ماوراء النہر
 ملا حسن علی موصلی در علم معقول و حکمت و ریاضی صاحب فن بود از مہند باز بموصل رفت
 ملا جمال لاہوری کہ امروز با فادہ اشتغال دارد قاضی غنی سرفندی دانشمند و با فواید فضایل
 آراستہ بود چند سال افضی القضاۃ ولایت بکرات بود قاضی بابا خواجہ کہ الحال قاضی
 امین سب و علوم عقلی و نقلی میدانند ملا سید مفسر سنبلی حاجی کشمیری کہ امروز در دہلی
 با فادہ مشغول است و علوم عقلی و نقلی میدانند ملا یعقوب کشمیری کہ مولویت دارد و شعر
 نیز میگوید و معارف و فنون شعر میدانند حاجی ابراہیم اکبر عالم عابد متقی بود حاجی ابراہیم سرہندی

سرمندی علوم نقلی مبداء است ملا دیس کوالباری و در علوم حکمت و ریاضی و نجوم ممتاز بود
 ملا شاه محمد شاه بادی که علم عقلی و نقلی و رزیده در ریاضی و نجوم مناسب تمام دارد ملا عبد
 حق که امروز در ولایت و افام علوم و رزیده و زبان شعر دارد و در لباس صوفیه میگرداند
 شیخ محمد محدث از اهل صلاح و تقوی است در احمد آباد میباشند ملا موسی سندی در احمد آباد
 بود ملا . . . الرحمن بوبره در احمد آباد است ملا السید . . . امروزه مرد خوش فهم ملا سید شرب
 بود ملا السید اسحاق بنوری ملا عالم کلیاری کابل مرد خوش طبع و شکفته و بی قید بود و
 شعر میگفت و کتابی در تاریخ مشتمل بر احوال حکام و علماء و شعران نوشته و فواید الولاية نام کرده است
 قاضی خان بخش در سلک امداد نظام یافته علوم عقلی و نقلی نیکو مبداء است و در زبان
 تصوف ممتاز بود شیخ . . . ولد شیخ محمد غوث در کب فغابل کوشیده و امروز در . .
 سلک امداد شیخ بنیاء الله ولد شیخ محمد غوث کب فغابل نموده و لباس
 شیخی دارد میر محمد در جهان که مدنی مدبر مفتی بوده و حالا صدر الصدور است طبع نظم هم دارد
 ملا بانیر مد مفتی لاهوری ملا عبدالشکور لاهوری میر عبد الطیب قزوینی که فاضل و مورخ بود و
 صاحب صلاح و تقوی بود مولانا میر ملا رحیم بروی دانشمند بود ملا عبد الله در آنخوند حضرت

خلیفه الهی ^{عبدالمطلب} خان ولد میر عبدالمطلب فروز بنی مورخ بی بدل سن و خدمت نزدیک بخت
 خلیفه الهی دارد قاضی حسن فروز بنی بفصائل صوری آراسته است ملا حبیب لاهوری در ^{نشاند}
 مدرس است و مراد شوریدگار و وارسته است ملا اسماعیل مفتی لاهوری ملا عبدالحلیم
 لاهوری برادر ملا ابو الفتح از متقین روزگار بود ملا قاسم مدرس لاهوری شیخ محبت
 قاسم بیگ تبریزی در علوم عقلی امتیاز داشت و در سلک افاضت نظام است سید نعمت
 لاهوری شیخ نور الدین کنولاهوری ملا عبدالحق در ادبیات و فقه و خدمت حضرت خلیفه
 الهی گذرانیده مصنف بفصائل و کمالات و در علوم صوفیه و تاریخ و فنون شعر مهارت تمام
 دارد و چند کتاب تصنیف کرده و سلبقه شعر نیز دارد شمس خان کنولاهوری ملا کاشم
 کنولاهوری قاضی نور محمد ششتری امیر از نقباء لاهور مشغول است و دیبانت و امات
 و فضایل و کمالات انصاف دارد ملا عثمان قاری بزم و مجامع و نماز بود سید و یس
 سرسندی ملا قاسم واحد العین قنداری علوم عقلی و نقلی در کس مفتی ملا عبد السلام لاهو
 از فحول علماء لاهور بود ملا بدیع نگاه دانشمند متجرب و زاهد و فاضل بود ملا قاسم الدین سرخ لاهوری
 بخلاف علماء لاهور علوم عقلی را نیز نبکودانستی و بسیار مفتی بود ملا اسماعیل اودهی از فحول

از فحول علما و مفتی و محدث بود ملا السید ارکینوی سید محمد کوپا مؤلفان عثمان انبالی
نخروم جای سندی از فحول علما بزرگ و نقوی ممتاز است بهلول دهلوی شیخ تاج الدین
دهلوی متصوف میر عبداللہ دکنی جامع جمع علوم بود ملا حجاز مدرس ملانی ملا
عثمان بنگالی میر منیر در سلک سپایان انتظام دارد میر عبدالحی صدر خراسانی بود حضرت
جنت اشبانی اورا صدر الافاضل ساخته بودند سال در خدمت حضرت خلیفہ الہی
کنہ را سیدہ ملا نفی الدین شستری علوم عقلی و نقلی نیکو دانستہ در ملازمت حضرت خلیفہ
الہی مورد مرام شایستہ و با وجود کمالات مطلوب نفس است میر عبداللہ
شیخ فرید بنگالی کہ دانشمند متجرب و مفتی و محدث و از اہل وجد و ذوق بود شیخ تاج الدین
دهلوی از مردمان شیخ مان بانی پتی و متصوف بود ذکر مشایخ مذہب سنان و این فقیر
اکثر اہل ن را ملازمت نموده شیخ سلیم سیکری وال از مشایخ وقت بود بر ریاضت
و مجاہدہ امتیاز داشت و صاحب کرامات و خوارق عادات جلیلہ بود و پست و چار
چ بجا آورده دوبار سفر حجاز نموده یکبار پانزدہ سال در مکہ اقامت داشتہ در قصد و تقاد
و نہ بر ہمت حق چوستہ شیخ محمد غوث برادر بہلول دعوت اسماعیلیستی و در

بابس شیخی کمال جاه و مرتبه داشت و حضرت خلیفه الهی را با حسن ظن بسیار بود
 چنانچه یک کرور وظیفه شیخ داده بودند خواجہ عبدالشہید شیرہ خواجہ ناصرالدین عبید اللہ
 احرارست بغایت بزرگ و صاحب کمالات معنوی بود و سالها ارشاد طالبان نمود
 شیخ مبارک ناکوری از فحول علمای روزگار و مشایخ کرام بود و در توکل شافی عظیم داشت
 و مبادی احوال پیش خلیفہ ابو الفضل کا ذرونی و مولانا عادی طارنی در کجرات کسب
 علوم نموده بود و در آخر عمر تفسیری نوشته عربی مشتمل بر چهار مجلد موسوم بمنہج العیون قریب
 تفسیر کبیر بغیر آن نیز تالیفات شریفه دارد و قریب بہ پنجاہ سال در دار الخلافۃ اگرہ با فادہ و
 افتخار گذرانیدہ و از آیات کمالات او فرزندان صاحب کمال اند کہ فخر روزگار نوانند بود
 مثل ملک الشرا و علای شیخ ابو الفضل و شیخ ابو بکر و غیر ہم و بنو مودند اسامی فرزندان
 بردق ابو الفیض یعنی سیات داشته ام و در شیرازی قعدہ سنہ اہدی و الف در
 لاجور بر حمت حق چوسند و شیخ کامل و فخر المکمل نارنج فونت دوست شیخ ادہن جوہر^ی
 صاحب کمالات معنوی بود سالها ارشاد طالبان نمود شیخ پنجوی سنبلی بصفاء باطن و
 کمال معنوی اشتهار داشت و میان وجیہ الدین کجراتی مدت پنجاہ سال بر جادہ ارشاد

ارشد و در راه ممکن بود بغیر و خافه و توکل گذرانیدی و بهر وقت درس گفتی و علوم نقلی و
 نقلی خوب داشتی و او صاحب تصانیف شریفه است شیخ الدین غیرابادی صاحب
 واردات و حالات بود سال ارشد و طالبان نمود شیخ نظام الدین نازولی سال بر جاده
 مشیخت ارشد و طالبان نمود شیخ حلال نامبری صاحب معارف و حالات و مورد کمال
 موردی و معنوی بود سال بارش و طالبان اشتغال داشت شیخ داود حسینی صاحب ذوق
 و سماع و وجد و ذکر بود سال بر مسند ارشد و هدایت طالبان نمود شیخ موسی آنکه که مکشفت
 و کرامات اشتباه دارد و در او ابل سلطنت حضرت خلیفه الهی در گذشت و در لاهور مدفون
 شیخ نعمت الله صوفی کجراتی حکیم مشرب بود شیخ عبد الغفور اعظم پوری سال در پرکنه
 اعظم پور بارش و طالبان گذرانند شیخ یوسف مجذوب لاهوری بمکاشفه مشهور و معروف
 بود شیخ رحمت برادر شیخ حمید محدث صاحب کمالات موردی و معنوی بود و چون در کجرات
 چار شد در سنه نهصد و نود و پنج غریب مکه نمود و در آنجا فوت کرد شیخ عبد الله بدونی که
 در اصل هندو بوده است و در وقت خواندن گلستان چون بنام پیغمبر صلی الله علیه و سلم رسیده
 از اسناد پرسید که این چه کس است و اسناد بیان منافق آنحضرت نموده و گفت

سلام شرف گشت بعلم و فضل موصوفت و بوج و تقوی معرفت شیخ طه از خلفای
 شیخ سلیم در کجرات می بود شیخ ماه از خلفای او بن سب و سالها در کجرات بود و در اینجا
 در سنه منفرد و نود و چار فوت کرد شیخ عبداللہ سپہرودی در کجرات بود شیخ کبیر مجذوب
 در کوالیری بود و عوام بند را عقدہ طرفہ البت و نیر بارت او بر سنند شیخ علاء الدین
 اودی ابن پت البت ان بخاطر رسیده سه ندانم ان کل خور و چه رنگ و بودارد که در غ
 بر چینی گفت و کوی او دارد شیخ اللہ بخش کرکبیری خالی از جذبہ نبود سید صالح فقہوری
 کہ بنفقہور منسوبه اشتہار دارد و نیز خالی از جذبہ نبود سید احمد مجذوب عیدروسی کہ اردوز در بدست
 و خوارق بسیار از و دیده شد سید علاء فادری کہ دی از بزرگان وقت بود این فقیر
 چند سال با ایشان ہم یکی داشت شیخ کبیر ملانی شیخ حبیب اللہ شیخ ابو اسحاق
 مہرنگ لاہوری بابک الوری خالی از جذبہ نیست و از ارباب رباعت است شیخ
 کاس الوری خلیفہ شیخ سلیم است شیخ ماکہو اگرہ شیخ علاء الدین مکرہ شیخ بابک
 کوالیری شیخ جلیل افغان شیخ خواجہ خضر نجباء شیخ منور اگرہ شیخ سین خلیفہ
 شیخ خوارزمی شیخ حاجی احمد لاہوری حاجی پوری مجذوب سندی و شیخ علاء الدین

محمد سندی شیخ بیگ کاکوری شیخ محمد عاشق سنبلی شیخ عبدالغفور دہلوی صاحب

مکارم اخلاق بود شیخ مسطفی در بادی شیخ حسین آدم شیخ محمد مجذوب شیخ ابن ارد

شیخ قیس خضر بادی شیخ عبدالعظیم ساجوری شیخ زین الدین ولد شیخ عبدالقدوس

لکھو شیخ بیب لاجوری شیخ یاکاری شیخ سید طانی کبلانی شیخ پامه کور به شیخ

محمد مدنی سی محدث کجراتی شیخ نصیر کیمیا کرندونی شیخ یاجود دینی دہلوی شیخ عبداللہ

بانی بنی جہاد کهنوی - کجراتی بشیر - مجذوب سنبلی شیخ

کالی وال از مشایخ کبار بود و حال دین و تقوی بکانه وقت خود بود شیخ سید از ولایت

بہار سب پدر او امرای بود در عنوان جوانی او را ولولہ شدہ و سیر ملا دایران کردہ در بغداد

طالب علی کردہ در مکہ حدیث خواندہ مدت چهل سال در نہروالہ ارشد و طالبان موفیہ در لغو

نصایف دارد شیخ کجراتی معاصر میان وجیہ الدین ست در قوکل و غرضانی عظیم

داشت و اہل دیار باو اعتقاد ولایت دارند و در سند ہند و لودوسہ در گذشت پوشیدہ نمائند

کہ در ایام دولت ابن شاہ حنا بن آگاہ از بن طایفہ در ملا بدست بسیار بودند و ہر کسند کہ ابن

مختصر تفصیل اسامی ایشان را بر نمائند و تبرکات جمعی را کہ اکثر اہل روزگار بہ بزرگی ایشان اعتقاد دارند

ترا بختی رسیدند مردم

